

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی- پژوهشی)، شماره هجدهم-بهار و تابستان ۱۳۹۷

دکتر زهره قربانی مادوانی<sup>۱</sup> (استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)  
دکتر مینا عربی<sup>۲</sup> (دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

### تحلیل ناامنی نشانه‌ای در رمان «لیله الملیار» از غاده السمان

#### چکیده

هر فرد از جامعه با تولید رمزگان نشانه‌ای خاص خود، ضمن نمایش پایبندی به مجموعه‌ای از هنجارها و تعلق خود به طبقه خاصی از اجتماع، احساس امنیت یا عدم امنیت خود را به تصویر کشیده و به تناسب امر واکنش‌های متفاوتی را بروز می‌دهد. نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای پژوهشی است که به بررسی این هنجارها و رمزگان نشانه‌ای می‌پردازد. بر اساس این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، جلوه‌هایی از ناامنی نشانه‌ای را می‌توان به‌وضوح در رمان «لیله الملیار» ملاحظه کرد. در این رمان تقابل فرهنگی بین شخصیت‌ها و بازتاب آن در رفتارهای آنان موجب روی آوردن هر یک از این شخصیت‌ها به واکنش‌هایی چون خاموشی، بیش‌تصحیحی، تلافی، و پدیده‌های متفاوتی چون تقلید، همانندسازی به عنوان واکنش مقابله با هنجارهای متضاد شده است. برخی شخصیت‌های رمان از این تقابل در جهت سازندگی خود بهره‌جسته و خود را از حالت ناامنی خارج کرده‌اند، برخی در فرهنگ جامعه دوم غرق شده، و بعضاً به بیراهه رفته و خود را به نابودی کشانده‌اند. عده‌ای نیز حقارت و غربت روز افزون را تاب نیاورده و در پی احساس عدم تعلق به جامعه مسلط، به کشورشان بازگشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** غاده السمان، لیله الملیار، نشانه‌شناسی اجتماعی، ناامنی نشانه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵

1. zghorbani@atu.ac.ir

2. 7tharabi@gmail.com

پست الکترونیکی:

## مقدمه

نشانه‌شناسی اجتماعی به عنوان یکی از رویکردهای حوزه نشانه‌شناسی، در پی بررسی موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی است. مسئله امنیت یا عدم امنیت نشانه‌ای به عنوان الگوی مطرح در حوزه زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی پدیده‌ای است که در رابطه با هنجارهای ارزشی و عینی جامعه تعریف می‌شود؛ به عبارتی آگاهی فرد از عدم تطابق رمزگان زبانی یا نشانه‌ای خود (رفتاری، پوششی و ...) با رمزگان زبانی و نشانه‌ای معمول و ارزشی جامعه غیر خودی، او را با احساس عدم امنیت مواجه می‌سازد. فرد گرفتار در وضعیت ناامنی ممکن است سه واکنش از خود بروز می‌دهد، که عبارتند از: خاموشی (سکوت)<sup>۱</sup>، بیش تصحیحی<sup>۲</sup>، و جبران (تلافی)<sup>۳</sup>. در واکنش خاموشی فرد رفتار ارتباطی خود را به حداقل رسانده و در حالت سکوت قرار می‌گیرد. منظور از واکنش بیش تصحیحی نیز زیاده‌روی در شبیه شدن به جامعه‌ای است که فرد در مواجهه با آن به احساس خودکم‌بینی، ضعف علمی و ضعف قدرت دچار است. واکنش جبران (تلافی) نیز در واقع عوض کردن قوانین بازی به نفع خود به نحوی سازگار با اطلاعات شخصی است. رمان «لیله الملیار» اثر غاده السمان که داستان مهاجرت گروهی از شهروندان عرب از بیروت به ژنوی طی دوران جنگ است، نمونه خوبی از نمایش پدیده ناامنی نشانه‌ای و واکنش‌هایی است که شخصیت‌های داستان در وضعیت ناامنی از خود بروز می‌دهند. مقاله حاضر سعی دارد با پاسخ به پرسش‌های زیر با تبیین این پدیده و نشانه‌های آن، واکنش‌های وابسته را ارزیابی کند:

۱. شخصیت‌های رمان لیله الملیار در مقابل عدم امنیت نشانه‌ای چه واکنشی دارند؟
۲. محیط جدید و هنجارهای عدم امنیت نشانه‌ای در رمان لیله الملیار چه تأثیر و پیامدهایی بر شخصیت‌های آن گذارده است؟

---

1 mutism

2 hypercorrectism

3 compensation

## فرضیه‌ها

۱. به نظر می‌رسد شخصیت‌های این رمان که همگی از کشور خود مهاجرت کرده و در کشوری غریب ساکن شده‌اند، احساس ناامنی خود را به سه صورت خاموشی و کناره‌گیری، جبران و تلافی و بیش تصحیحی نشان دهند.

۲. به نظر می‌رسد کشور ژنو که محیطی ناامن و غریب برای ساکنان عرب‌زبان به حساب می‌آید باعث شود برخی از شخصیت‌های رمان از موفقیت و منزلتی که در کشور خود داشته‌اند فاصله گرفته و در محیط جدید برای تأمین معاش خود دست به هر کاری بزنند وعده‌ای نیز با وصل شدن به افراد ثروتمند و ذی‌نفوذ آنجا در پی کسب اعتبار و منزلت اجتماعی برآیند.

## روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله در حوزه جمع‌آوری اطلاعات، نظری، و در حوزه نقد و بررسی، توصیفی - تحلیلی است. در بررسی الگوی ناامنی نشانه‌ای نیز الگوی پیشنهادی احمد پاکتچی مبنای عمل بوده، و بررسی این الگو در رمان غاده السمان در دو سطح ناامنی در رمزگان سطح بالا و ناامنی در رمزگان سطح پایین صورت خواهد پذیرفت.

## پیشینه تحقیق

از جمله پژوهش‌های انجام یافته بر اساس مطالعه هنجارها و با استفاده از دیدگاه ناامنی نشانه‌ای عبارتند از:

مقاله «نشانه‌شناسی اجتماعی و پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای» از مرتضی بابک معین: در این مقاله ضمن تعریف هنجارها و پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای، پدیده‌های سکوت، بیش تصحیحی و تلافی به عنوان واکنش‌های مطرح در برابر پدیده عدم امنیت نشانه‌ای، بررسی شده است.

مقاله «تنهایی روشنفکر در رمان‌های غاده السمان و غزاله علیزاده» از یدالله احمدی ملایری: در این مقاله، رمان لیله الملیار به اختصار مورد بررسی قرار گرفته و دو شخصیت اصلی آن امیر النیلی و خلیل به ترتیب به عنوان شخصیت‌های سازنده و ویرانگر در خارج از وطن مطرح شده‌اند.

مقاله «سطوح ناامنی نشانه‌ای و تنظیم فاصله در ارتباط، پیجویی الگو در حکایت‌هایی از گلستان سعدی» از احمد پاکتچی: در این مقاله الگوی ناامنی نشانه‌ای مورد بازنگری قرار گرفته و گلستان سعدی به‌ویژه باب اول آن به عنوان پیکره مطالعاتی برگزیده شده است.

مقاله «بررسی پدیده‌های عدم امنیت و امنیت نشانه‌ای و عکس‌العمل در مقابل عدم امنیت نشانه‌ای در فیلم اخراجی‌ها». از مرتضی بابک معین: این مقاله پس از معرفی الگوی ناامنی نشانه‌ای، به بررسی این الگو و واکنش‌های وابسته، در فیلم اخراجی‌ها پرداخته است.

پایان‌نامه‌هایی همچون «روایه لیلۃ الملیار لغاده السمان، دراسه فی الشكل و المضمون» و «بررسی شیوه داستان نویسی غاده السمان در رمان «لیلۃ الملیار» نیز به رشته تحریر در آمده‌اند؛ که به بحث مورد نظر که بررسی نشانه‌شناسی اجتماعی و تحلیل ناامنی نشانه‌ای است، مرتبط نیستند.

در زمینه تحلیل رمان از نقطه نظر الگوی ناامنی نشانه‌ای بویژه در رمان لیلۃ الملیار، در سطح مجلات تخصصی رشته ادبیات عرب پژوهشی صورت نگرفته است. لذا مقاله حاضر افزون بر تلاش در جهت معرفی این الگو به علاقمندان و پژوهشگران، در صدد گشایش افق تازه‌ای در روش نقد اجتماعی متون ادبی است، تا پژوهش‌های دیگری بر این اساس در حوزه زبان و ادبیات عرب صورت گیرد.

### مبانی نظری

#### الف: نشانه‌شناسی اجتماعی

نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردها در حوزه نشانه‌شناسی است که به جنبه ذهنی فردی و جنبه‌های اجتماعی و متنی نظر دارد و هر متن را در موقعیت اجتماعی و فرهنگی خاص خود بررسی می‌کند. نشانه‌شناسان اجتماعی بر این باورند که نمی‌توان معنا را جدا از گوینده، شنونده و بافت مورد بررسی قرار داد. آنان معنا را فرایندی می‌دانند که طی آن، متنی در شرایط زمانی- مکانی، موقعیتی، اجتماعی و تاریخی فرهنگی خاصی تولید و باز تولید می‌شود. (أحمد، ۲۰۰۱: ۵۱) مایکل هالیدی از اصلی‌ترین پرچمداران رویکرد نقش‌گرایی به

زبان و معرفی کننده نشانه‌شناسی اجتماعی<sup>۱</sup> است. به اعتقاد وی، زبان نهادی اجتماعی و بخشی از نظام اجتماعی است. بر این اساس زبان‌شناسی به بررسی آن دسته از کنش‌های اجتماعی می‌پردازد که مبتنی بر انتقال معنا به واسطه زبان هستند. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۸ و ن.ک: عماش، ۲۰۱۱: ۱-۱۳؛ فاولر، ۲۰۱۲، ترجمه البطاینه: ۶۵)

از این رهگذر می‌توان نشانه‌شناسی اجتماعی را یکی از رویکردهای نگرش بر معنا دانست که به فرایند معناپردازی در بستر اجتماع و فرهنگ تأکید دارد. معنا حاصل بر هم کنش ذهنیت معنا ساز و ذهنیت معناپرداز از یک سو و نظام زبانی‌ای مبنای عمل و زیستگاه اجتماعی و فضای اجتماعی - فرهنگی از سوی دیگر است که البته هیچ یک از آنها را نیز نمی‌توان به آسانی از دیگری متمایز کرد و هریک به نوعی درون دیگری قرار دارد (ساسانی، ۱۳۸۹: ۸ و بوعزیزی، ۲۰۱۰: ۱۲۳).

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت تحلیل متن با این رویکرد به معنای شناخت معنا از یک سو و شناخت فرهنگ مورد نظر نویسنده از سوی دیگر است.

#### ب: پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای

پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای در رابطه با دو هنجار ارزشی و عینی، مطرح می‌شوند. لویی ژان کالوه در کتاب خود با نام «درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی» به تعریف این پدیده‌ها پرداخته و آنها را به‌ویژه به مسئله تلفظ آواها گره می‌زند. او معتقد است عدم امنیت زبانی زمانی رخ می‌دهد که فرد می‌داند تلفظ واژه‌ای که به کار می‌برد، مطابق هنجار زبانی مرسوم نیست. در مقابل، پدیده امنیت زبانی زمانی رخ می‌دهد که فرد به لحاظ ناآگاهی از ناسازواری نحوه تلفظ آوا و گفتارش با هنجار عام، هنجار خود را هنجار عام می‌پندارد (کالوه، ۱۳۷۹، ترجمه پوینده: ۹۳).

به عقیده کلن برگ پدیده‌های امنیت و عدم امنیت صرفاً به حوزه زبانی محدود نشده و به حوزه رفتار گسترش می‌یابد، به نحوی که آگاهی فرد از عدم مطابقت رمزگان نشانه‌ای خود اعم از زبانی، پوششی، حرکتی و غیره (هنجار عینی) با هنجارهای ارزشی فرهنگ و جامعه مورد نظر، احساس عدم امنیت نشانه‌ای را در او بر می‌انگیزد. به عکس در صورت انطباق

1 Social semiotics

رفتار فرد با هنجارهای ارزشی و یا در صورت ناآگاهی فرد از ناسازواری رمزگان نشانه‌ای‌اش با هنجارهای ارزشی، وی با پدیده امنیت نشانه‌ای مواجه است (بابک معین، ۱۳۸۹: ۱۶۶ و klenkenberg.1996: 218).

به زبان دیگر امنیت نشانه‌ای به معنای انطباق رفتارهای فرد با هنجارهای محیط پیرامون و یا احساس آرامش و امنیت خاطر حاصل از ناآگاهی وی از مغایرت رفتارهایش با هنجارهای محیطی است. در نقطه مقابل، اطلاع فرد از مطابقت نداشتن رفتارهایش با هنجارهای جامعه دیگر، احساس ناامنی او را در پی خواهد داشت. از این احساس ناامنی در اصطلاح جامعه شناختی به وضعیت ناامنی یاد می‌شود.

پاکتچی افزون بر موارد فوق معتقد است، هر بحث امنیت نشانه‌ای درگیر دو رمزگان است: رمزگان سطح پایین؛ که ارتباط در آن از جنس مورد نظر کلن کن برگ و لباو برقرار می‌شود، و رمزگان سطح بالا؛ که روابط سلطه در آن تعریف می‌شود، و از آنجا که سلطه نوعی ارتباط معنادار است، بی تردید در یک فضای نشانه‌ای و بر اساس رمزگانی دیگر معنادار شده است. به اعتقاد او ناامنی در ارتباط، به لحاظ ماهیت، ناامنی نشانه‌ای است و سرنوشت طبیعی این مبحث سرانجام آن را به حوزه نشانه‌شناسی کشانده است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۴۴۹).

او سلطه را ناظر به حالتی میان دو طرف معرفی می‌کند، به نحوی که یکی از طرفین - خودآگاه یا ناخودآگاه - تلاش دارد، به کمک ابزارهایی، ضمن واری رفتار طرف مقابل، وی را به رفتار و عملکرد مطلوب خویش وادارد؛ بنابراین در رمزگان سطح بالا ناامنی به دو شکل امکان بروز می‌یابد: در طرف مسلط این ناامنی می‌تواند به صورت ترس از سلطه پذیری و فرمانبری خود را نشان دهد، و در طرف نامسلط این ناامنی می‌تواند به صورت ترس از برآورده شدن توقعات و دور شدن روابط سلطه از منافع اولیه‌اش بروز یابد، ضمن اینکه ناامنی در رمزگان سطح پایین برای طرف مسلط منتفی است؛ زیرا در موضع قدرت قرار دارد (همان: ۴۵).

### ج: واکنش‌های احتمالی در برابر پدیده عدم امنیت نشانه‌ای

کلن کن برگ بر خلاف اغلب زبان شناسان که از میان واکنش‌های متصور در مواجهه با احساس ناامنی نشانه‌ای، رفتار بیش تصحیحی را مورد توجه قرار داده‌اند، از سه حالت رفتاری

احتمالی در شرایط ناامنی سخن گفته است. او معتقد است واکنش در برابر عدم امنیت نشانه‌ای به صورت‌های مختلفی بروز می‌یابد که معمول‌ترین آنها خاموشی، بیش تصحیحی و تلافی است (همان: ۴۴۶ و klenkenberg.1996: 218).

خاموشی نشانه‌ای زمانی مطرح می‌شود که فرد به دلیل نا آگاهی از هنجارهای ارزشی، از رمزگان نشانه‌ای مربوطه استفاده نکند. بیش تصحیحی نیز زمانی رخ می‌دهد که فرد به دلیل نا آگاهی و یا درک غلط از هنجارهای مورد توصیه هنجار ارزشی و رایج، در به کارگیری رمزگان نشانه‌ای مربوطه اغراق کند (بابک معین، ۱۳۸۹: ۱۶۷ و الجماعی: ۵۵).

به نظر می‌رسد فرد در چنین شرایطی گوشه‌گیر شده و از مطابقت دادن خود با شرایط حاکم عاجز می‌ماند و حتی از خود بیگانه می‌شود، چنانچه این امر در تحلیل شخصیت خلیل - از شخصیت‌های اصلی رمان - به عینه مشهود است.

تلافی نشانه‌ای، واکنشی دیگر در برابر پدیده عدم امنیت نشانه‌ای، و عبارت از عمل و تولید رمزگانی نشانه‌ای در جهت خلاف توصیه هنجار ارزشی است. در این حالت فرد به دلیل عدم سازش با آنچه هنجار ارزشی طلب می‌کند، و ناراحتی و واخوردگی ناشی از این عدم سازش، به شکل اغراق آمیزی رمزگان نشانه‌ای ضد هنجار ارزشی و معمول را تولید می‌کند (پاکتچی: ۱۶۸ و klenkenberg.1996: 218).

بنابراین واکنش تلافی نشانه‌ای، عکس واکنش بیش تصحیحی به شمار می‌رود؛ زیرا در بیش تصحیحی، فرد در به کارگیری هنجارهای ارزشی جامعه اغراق می‌کند، اما در تلافی نشانه‌ای، اغراق در به کارگیری ضد رمزگان‌های هنجار صورت می‌پذیرد.

#### مختصری از زندگی نامه غاده السمان

غاده السمان نویسنده، شاعر، روزنامه نگار، ناشر، داستان نویس، اندیشمند و ادیب سوری سال ۱۹۴۲ در دمشق چشم به جهان گشود. پدرش احمد السمان دارنده دکترای اقتصاد سیاسی از دانشگاه سوربن، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. خانواده السمان با نزار قبانی خویشاوندی دوری داشتند. غاده در کودکی، مادرش را از دست داد و نخستین اشعارش را با تشویق پدرش در نوجوانی به چاپ رساند، و در بیست سالگی نخستین مجموعه داستان‌هایش را انتشار داد (السمان، ۲۰۰۲: ۲۰). وی به سبب جنگ و ناآرامی در بیروت به

پاریس رفت و انتشاراتی را برای نشر آثار خود تأسیس کرد و در قصه‌هایش از دردها و رنج‌های مردم لبنان سخن گفت. غاده پس از انتشار دو رمان به نام‌های کوابیس بیروت (کابوس‌های بیروت) در سال ۱۹۷۶ که توصیفی است از بیروت جنگ زده در اواسط دهه هفتاد، و لیلۃ المليار (شب میلیاردي) در سال ۱۹۸۶، منتقدان را بر آن داشت تا از او به عنوان برجسته‌ترین نویسنده مدرن عرب یاد کنند. جایگاه ادبی او چنان برجسته بود که بعضی از منتقدان وی را حتی از نجیب محفوظ نیز مهم‌تر قلمداد کردند (ن.ک: الموقع الرسمي للكاتبة السورية، غاده السمان).

### خلاصه رمان «لیلۃ المليار»

داستان با بمباران بیروت و مهاجرت خانواده خلیل از بیروت به ژنو آغاز می‌شود. خلیل در پی وقوع جنگ داخلی لبنان بیروت را به سمت ژنو ترک می‌کند. همسرش کفی با استفاده از زیبایی و ثروتش به گونه‌ای رفتار می‌کند که در چشم همگان به صورت زنی ثروتمند و آشنا با زندگی در ژنو به نظر برسد و به سرعت با افراد ثروتمندی در ژنو آشنا می‌شود. یکی از این افراد، مرد ثروتمند و بدکاره‌ای به نام رغید الزهران است که از فرط ثروت در حوضچه‌ای از طلا شنا می‌کند. معاونش ندیم از جمله افرادی است که چندین سال در ژنو سکونت دارد؛ لذا برای خلیل نزد صقر بن صخر که از نزدیکان رغید است، کاری تدارک می‌بیند و به این ترتیب خلیل به عنوان زیر دست صقر و بسان عروسکی در دست او مجبور به انجام هر کاری می‌شود و حتی به داد و ستد هروئین می‌پردازد؛ اما داستان اصلی با میهمانی رغید به مناسبت کسب ثروتی میلیاردي آغاز می‌شود؛ ثروتی که حاصل قتل بیگناهان است. رغید در اثنای میهمانی کشته می‌شود و همه از جمله خلیل اصرار دارند قتل او را به عهده بگیرند، اما مشخص می‌شود او به علت سکت قلبی در گذشته است. در پایان خلیل و فرزندانش در راه بازگشت به لبنان هستند.

### تحلیل رمان

در رمان «لیلۃ المليار» شاهد دو هنجار متفاوت هستیم: از یک طرف با هنجارها و رمزگان نشانه‌ای فضای ثروتمندان در جامعه ژنو روبه رو هستیم و از طرف دیگر با رمزگان نشانه‌ای و هنجارهای جامعه فقرا. برای روشن شدن رفتارها و واکنش‌هایی که هر یک از شخصیت‌ها در



تضاد با فرهنگ طرف مقابل از خود نشان می‌دهند، لازم است در آغاز هر یک از شخصیت‌های داستان به اختصار معرفی شوند و از آنجا که شخصیت‌های ایفا کننده نقش در این رمان بسیارند، در این مقاله به معرفی آن دسته از شخصیت‌های اصلی و فرعی می‌پردازیم که در نشانه‌شناسی اجتماعی با آنان سروکار داریم.

نسیم: پیش خدمت لبنانی الأصل رغید است که به دور از چشم او مشغول تحصیل در یکی از دانشگاه‌های ژنو است.

لیلی: مسئول برگزاری جشن رغید است که از همسر اروپایی خود طلاق گرفته است. خلیل: از شخصیت‌های اصلی داستان است که تقریباً بیشتر قسمت‌های رمان به او و خانواده‌اش می‌پردازد. وی فردی روستایی است که پیش از مهاجرت از بیروت به ژنو به کتاب‌فروشی اشتغال داشته است، اما در ژنو پس از مدتی بیکاری و تجربه فقر شدید به عنوان پیش‌خدمت نزد یکی از ثروتمندان عرب ساکن ژنو به نام صقر بن صخر مشغول کار می‌شود. او همیشه در فکر بیروت است و اخبار آن را دنبال می‌کند.

کفی: همسر خلیل و دختری نازپرورده از یک خانواده اصیل بیروتی است که همه ثروت و دارایی و زیورآلاتی را که از پدر و مادرش به عنوان هدیه ازدواج دریافت کرده می‌فروشد تا کار مهاجرت به ژنو را سامان دهد.

ندیم: یکی از ثروتمندان عرب ساکن ژنو و معاون رغید است.

امیر النیلی: نویسنده بیروتی ساکن ژنو و علاقمند به لیلی است.

### نامنی در رمزگان سطح بالا

#### نامنی طرف مسلط

یکی از مضامین قابل توجه در این رمان قرار گرفتن طرف مسلط در شرایط نامنی است. رغید با اینکه ثروتمند است و همگان تحت فرمان اویند، اما در هنگام نگرانی از رد درخواستش از سوی هلال، دست به دامان شیخ وطفان ساحر شده و از او می‌خواهد که بین صخر و برادرش هلال تفرقه و جدایی اندازد:

«ألقينا بينهم العداوة والبغضاء إلى يوم القيامة ... توكل يا إبليس وألق بين صخر إبراهيم الغنمالي وهلال إبراهيم الغنمالي العداوة والبغضاء وفرق بينهما بحق.» (السَّمَان، ۱۹۸۶: ۷۵)

و در جای دیگر از دعانویس می‌خواهد دهان هلال را ببندد:

«قال رغيد لشيخ وطفان، من غير أن يجرؤ على التحديق في وجهه: أرجوك أن تعقد لي لسان شقيقه التؤام هلال، إنه يريد بي شرًا، ويحول بين الناس و الخير، أريد تعمير مطار لهم، وهو يريدهم على الدواب...» (همان: ۱۰۵)

بنابراین او با اینکه بسیار ثروتمند است و همگان در برابرش سر تعظیم فرود می‌آورند، اما به علت قرار گرفتن در شرایط ناامنی و دل مشغولی مداومش نسبت به خواسته‌اش از هلال، در مقابل ساحر از فعل «أرجوك» (خواهش می‌کنم) استفاده می‌کند و تنها با حرف او آرام می‌گیرد:

«أرجوك يا سيدى» عبارة لا يقولها إلا للساحر». (همان: ۱۰۵)

و:

«يجلس رغيد في حضرة الساحر كالطفل .. إنه يؤمن بالأرقام والمنطق والكومبيوتر التي يستخدم عشرات منها في مكاتبه ويؤمن .. بالرشوة المادية ولكنه مازال يرتاح لتأييد الساحر.» (همان: ۷۵)

و در جای دیگر حتی در برابر ساحر گریه می‌کند:

«تندفق الدموع مدرارة من عيني رغيد... يبكي كطفل بين يدي ساحره.» (همان: ۱۰۶)

غاده السمان به خوبی با تکیه بر خواهش و التماس رغید از شیخ وطفان ساحر، ترس رغید از هلال و نافرمانی او را نشان می‌دهد. همین ترس رغید را در شرایط ناامنی قرار داده است. او وقتی با مخالفت هلال با پیشنهادش روبه رو می‌شود و در برابر او احساس ضعف می‌کند، دست به دامان نفر سومی به نام شیخ وطفان می‌شود، تا با سحر و جادویش هلال را به قبول پیشنهادش راضی کند و او را از وضعیتی که در آن گرفتار شده نجات دهد.

رغید به ظاهر خود را از اعضای جامعه ژنو می‌داند و مانند آنان رفتار می‌کند. طرز پوششش، رفتار با زنان، زبان و ... همه با جامعه ژنو مطابقت دارد؛ اما وقتی در جایگاه ترس قرار می‌گیرد، دیگر نمی‌تواند مانند مردم آنجا رفتار کند؛ لذا به باورهای جامعه پیشین خود یعنی سحر

و جادو روی آورده و کمک گرفتن از ساحر را تنها راه نجات خود از وضعیت نامنی می‌بیند؛ بنابراین رغید ظاهری غربی و باورهایی شرقی دارد؛ زیرا او در واقع به جامعه ژنو تعلق ندارد.

#### نامنی طرف نامسلط

در مواردی از این رمان را ملاحظه می‌کنیم که افراد مسلط در اعمال سلطه بر طرف نامسلط، زمینه نامنی را برای ایشان فراهم آورده‌اند و طرف نامسلط به دلیل نگرانی از تأمین منافعی مجبور به پذیرفتن سلطه شده است.

نمونه قربانی رابطه سلطه، نسیم، خدمتکار رغید است. او بارها از سوی رغید تحقیر می‌شود، اما اختلاف سطح فرهنگی و سطح قدرت بین شخصیت رغید و او باعث شده است تا زمینه برای کنترل و تحت سلطه واقع شدنش از سوی فرد با نفوذی چون رغید فراهم شود، به طوری که برای تأمین منافع خود، فرودستی و خواری را می‌پذیرد:

«کظم نسیم غیظه و تذکر فقره ومدیته آلتی تحترق وحاجته الملحة إلى عمله وجاء صوته كزفرة برکان: أمرک یا باشا». (همان: ۳۱)

و:

«اغرب عن وجهی أیها اللعین!.. اخرج من هنا!.. إنک تحضر دائماً فی الوقت الخطأ، كأبناء طبقتک جميعاً». (همان: ۴۱)

نسیم بارها با خودش زمزمه می‌کند که او را می‌کشد، اما در رویارویی با رغید از او اطاعت می‌کند.

«صرخ نسیم بلا صوت: سأقتل... سأختقک فی سریرک.. فی برکتک الذهبیه.. سأختقک ولکن صوته جاء یقول: أمرک یا سیدی». (همان: ۶۱)

خلیل نمونه دیگر رابطه سلطه است که برای تأمین هزینه‌های تحصیل فرزندان و بهای اجاره خانه‌اش ناچار است به کاری پردازد که با انسانیت او سازگار نیست و به همه خواسته‌های فرد مسلط تن در دهد. او پیش خدمت صقر است و چون پس از مدتی بیکاری در ژنو به این کار دست یافته، حاضر است همه اوامر صقر را اطاعت کند. از این رو وقتی صقر از او می‌خواهد تفنگ آب پاش را به سوی دوست دختر سویسی‌اش نشانه رود مجبور می‌شود بپذیرد، اما بعد خودش را سرزنش می‌کند:

«فصوب خلیل مسدسه إلى رأسها و كان صقر يهدد صاحبها بسكينه. قالت تريزا بصوت هادي: ماذا تريدان؟ لا تؤذيانا و سنعطيكما كل ما معنا». (همان: ۲۱۰)

او همچنين مجبور می شود به دستور صقر کوکاین بکشد؛ چون به یاد شهریه فرزندانش و هزینه اجاره هتل و نفقه همسرش می افتد:

«وسأل خلیل: هل شممت کوکاین من قبل؟ هیأ شمّ ما تبقي! .. خذا!.. کاد خلیل یرمی بالمسحوق اللعین فی وجهه، لکنه تذکر أفساط الأولاد و الأجره الباهظه لجناح الفندق و نقود کفی التي أوشکت علی النفاد .. فنقد الأمر وشم». (همان: ۲۰۶)

در بخشی دیگر به دلیل جواب ندادن به تماس تلفنی صقر مورد تحقیر و توهین او واقع می شود:

«ألم آمرک بأن تلازم الهاتف؟ هل نسیت أنك موظف عندی؟ أ لا تفهم أنني سیدک وعلیک أن تطیع سیدک فی کل وقت دونما مناقشه؟» (السمان: ۳۰۹)

و یا در جایی دیگر صقر به او پیشنهاد می دهد در ازای مبلغی زنش را در اختیارش بگذارد و او بی توجه و بدون بیان حتی یک کلمه سکوت می کند:

«أما صقر فقال مخاطباً خلیل ببروده: کم تريد لترک زوجتک لی؟ أریدها لی حدّد المبلغ و أعلمنی بالرقم... لم يلتفت خلیل، ولم یقل کلمه واحده». (همان: ۴۱۸)

نویسنده رمان با به تصویر کشیدن وضعیت خلیل و قصه مهاجرت و شرایط بی پولی اش در ورود به ژنو، در صدد ترسیم شرایط ناامنی او در یک کشور غریب است. ناامنی که این شخصیت را وامی دارد، برای رهایی از آن، علی رغم اشتغال به شغل شریف کتاب فروشی در بیروت، و پایبندی به اصول حرفه‌ای تا مرز خودداری از فروش کتاب‌های بی ارزش، هر چند رایج، به عنوان پیش خدمت صقر هر تحقیری را بپذیرد، تا بتواند علاوه بر تأمین معاش خانواده، تحمل غم غربت و دوری از وطنی که دائم به آن می اندیشد را بر خود هموار کند.

### نامنی در رمزگان سطح پایین

#### واکنش خاموشی

همانگونه که پیشتر گذشت، منظور از واکنش خاموشی (سکوت) خودداری از کاربرد رمزگان نشانه‌ای جامعه هدف به دلیل ناآشنایی با این رمزگان و با هدف ممانعت از رسوایی و احساس حقارت است. شخصیت‌هایی از این رمان که به خاموشی روی آورده‌اند، عبارتند از:

#### مادر لیلی

اولین شخصیت داستان که به خاموشی و انزوا روی می‌آورد، مادر لیلی است. او حتی با همسایه‌ها حرف نمی‌زند تا مبادا فکر کنند او غریبه است و با اعراب نیز معاشرتی نداشته است. در واقع او مایل نیست غریبه بودن خود را بپذیرد:

«یتذکر أن أم لیلی لم تزر أحداً هنا يوماً، ولم تزر، وظلت تستمیت لإنکار الغربء، وتجاهلها، ولم تتحدّث إلی جارء، وظلت معتصمةً بیبتها، لا تخاطب بئعاً، ولا تمشی فی شارع، ولا تصادق أجنبیة؛ لأنها لا تعرف الفرنسیة، ولا تصادق عربیة؛ لأنها لا ترید أن تعترف بأنها غریبة». (همان: ۱۱۲)

زبان گاه بازتاب‌دهنده هویت اجتماعی و طبقه اجتماعی افراد است؛ از این رو مادر لیلی به دلیل ناآشنایی با زبان فرانسوی و احساس ضعف از این ناتوانی، با پدیده عدم امنیت نشانه‌ای روبرو می‌شود؛ زیرا او به ناسازگاری و تضاد رمزگان نشانه‌ای زبانی خود با رمزگان زبانی جامعه ژنو واقف است و به هیچ وجه دوست ندارد طبقه اجتماعی‌اش یا همان عربی الأصل فاش شود. از این رو برای رهایی از این وضعیت به خاموشی نشانه‌ای روی آورده و گوشه‌گیر می‌شود، تا کسی به ضعف او پی نبرد و ترجیح می‌دهد حرف نزند تا همگان فکر کنند او فرانسوی زبان و از جامعه ژنو است.

#### خلیل

خلیل به شدت در مقابل جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، سکوت پیشه کرده و به دلیل بیگانگی با هنجارهای ارزشی جامعه ژنو، دچار خاموشی نشانه‌ای شده است. همین بیگانگی و ناآشنایی او با نظام‌ها و هنجارهای ارزشی جامعه سبب ایجاد فاصله بین او و جامعه ژنو شده

است. تجلی بیگانه بودن خلیل با نظام‌های نشانه‌ای رفتاری، کلامی و آیینی جامعه ژنو در موارد زیر قابل پیگیری است:

خلیل مردی روستایی و فقیر است و از جامعه ثروتمندان نیست لذا فرهنگ آنان را نمی‌شناسد:

«إِنَّهُ بِالتَّأَكِيدِ لَيْسَ مِنْ فِتْنَةِ الْأَثْرِيَاءِ الْهَارِبِينَ بِكُنُوزِهِمْ مِنْ وَهَجِ الثُّورَاتِ الَّتِي يَخْشَوْنَهَا .. وَلَا مِنْ أَبْنَاءِ الْبَاشَاوَاتِ .. تَرَاهُ مِنْ أَوْلَادِكَ الْمَغَامِرِينَ الْبَاحِثِينَ عَنِ الثَّرْوَةِ ...» (السَّمَان: ۱۰۷)

خلیل گویی برده صقر است و کوچک‌ترین اعتراضی به او نمی‌کند، از این رو صقر به خود اجازه می‌دهد بی پروا او را مسخره کند:

«لَدَيْهَا مَوَاهِبٌ كَثِيرَةٌ، وَرَغِيدُ الزَّهْرَانِ يَرِيهَا.. مَنْ هُوَ رَغِيدُ الزَّهْرَانِ؟ ضَحْكُ صَقْرٍ، حَقًّا حَتَّىٰ انْقَلَبَ عَلَىٰ قَفَاهُ فَوْقَ الْمَقْعَدِ.. إِنَّ رَغِيدَ الزَّهْرَانِ الَّذِي لَمْ تَسْمَعْ بِهِ، هُوَ الَّذِي دَبَّرَ لَكَ هَذِهِ الْوُضُفِيَّةَ، وَتَوَسَّطَ لِأَجْلِكَ عَبْرَ نَدِيمِ.. حَسَنًا وَمَنْ هِيَ لَيْلَىٰ سَبُوكَ؟ وَفَهَقَهُ صَقْرٌ مِنْ جَدِيدٍ: وَلَمْ تَسْمَعْ بِهَا أَيْضًا؟ أَيْنَ تَعِيشُ؟» (همان: ۱۶۳)

واکنش خلیل در برابر این استهزاء، سکوت و درون گویی است. با خود می‌اندیشد که از جایش بلند شود و بر صورت جوان بیست ساله ژنوی سیلی زند:

«أَنْهَضُ عَنْ مَقْعَدِي، وَأَصْفَعُ الشَّابَّ الْعَشْرِينَ صَقْرَ عَلِيَّ خَدَّيْهِ، وَأَقُولُ لَهُ: أَنَا أَعِيشُ فِي قَلْبِ الْجَرَحِ مَعَ شَعْبِي، وَلَكِنْ قَلَّ لِي أَنْتَ أَيْنَ تَعِيشُ؟». (همان: ۱۶۴)

یکی دیگر از این موارد زمانی رخ می‌دهد، که در سفری که خلیل صقر و دوستانش را در آتن همراهی می‌کند، زنی تلاش می‌کند تا به او نزدیک شده و او را در آغوش بگیرد، اما خلیل از او فرار می‌کند و این رفتارش، همه را به خنده وا می‌دارد:

«وَتَلِكِ الْمَرْأَةُ الْمَجْدُولَةُ ذَاتِ الْأَسْلَاكِ الشَّائِكَةِ، تَحَاوَلَتْ تَعْذِيبِي بِضَمِّي إِلَيْهَا، وَأَنَا أَهْرَبُ مِنْهَا، وَالْكَلِّ يَضْحَكُ سَاخِرًا». (همان: ۳۶۵)

در واقع خلیل برای تأمین درآمد خانواده‌اش مجبور است خود را در موقعیت ناامنی قرار دهد، و نمی‌تواند مثل مادر لیلی گوشه‌ای بنشیند و با کسی روبرو نشود. به بیان بهتر فرار خلیل از پذیرش آغوش زن غربی نشان می‌دهد او فرهنگ آنان را نپذیرفته است.

خلیل آنقدر به این خاموشی و سکوت ادامه می‌دهد، که غیرت عربی خود را فراموش می‌کند و به همه چیز بی اعتنا می‌شود و تنها به درون گویی روی می‌آورد. همه این واکنش‌ها نشان از سرخوردگی و به لاک خود فرو رفتن دارد، که تعبیر دیگر آن خاموشی نشانه‌ای است.

به عنوان مثال وقتی همسرش کفی، در مجلس رغید می‌رقصد، تجاهل می‌کند: «ونھضت کوكبہ من المدعوّات، وعلی رأسهنّ كوكو، التی بزّت الراقصۃ المحترفة، وسرقت النظرات والشهقات والشهوات...، خلیل قال لدنیا متجاهلاً قرفه من سلوک زوجته...» (همان: ۲۴۸-۲۴۹)

و یا وقتی همسرش کفی را در خیابان می‌بیند، که سر بر شانه یک جوان اروپایی گذاشته، هیچ غیرتی از خودش نشان نمی‌دهد.

«هذه آلتی تستند برأسها علی كتف الشابّ الغربیّ الوسیم تشبه کفی.. ترفع رأسها وتضحک ... یا إلهی إنها کفی.. تأملّها خلیل كأنه لا يعرفها .. ولم يشعر بشيء لا بالغيرة ولا الغضب ولا الأسی.. لا شيء غیر إحساس بارد». (همان: ۲۶۴)

و یا وقتی کفی را در اتاق روی تخت خواب با صقر می‌بیند، در را می‌بندد و بی تفاوت بر می‌گردد، گویی که آن دو را با هم ندیده است:

«يفتح الباب و منه يطلّ وجه خلیل. حين شاهدته صرخت ببساطة: إنه يغتصبني .. النجدة .. وازداد إعجاب صقر بها؛ و جاء صوتها مخنوقاً، كأنّ خلیل لم يسمعه، فقد أغلق باب الغرفة خلفه .. كأنه لم يرها أيضاً». (همان: ۴۱۷)

می‌توان اینگونه برداشت کرد که خلیل در رمان دارای یک شخصیت متزلزل است که بین دو نیمه شرقی و سستی و مدرن و غربی گرفتار شده است. نیمه سستی او عاشق کشورش و برخوردار از احساسات میهن‌پرستی است و به هیچ وجه نمی‌خواهد این حس را رها کند. همین شخصیت به سادگی از کنار رفتار آزادانه و غربی مآبانه همسرش کفی در برخورد با مردان دیگر می‌گذرد و واکنشی بروز نمی‌دهد و مانند فردی برخوردار می‌کند که به زعم افراد آن جامعه، این مسائل برایش اهمیتی ندارد. سکوت و بی توجهی او نسبت به فرهنگ عربی، و بی غیرتی‌اش نسبت به همسرش کفی، که در بی اعتنائی آگاهانه نسبت به بی‌بندوباری او نمود می‌یابد، نشان از انتخاب واکنش سکوت از سوی او، به منظور تطبیق حداقلی با جامعه

ثروتمندان و امکان گذران زندگی در شرایط ناامنی دارد. خلیل، سرخورده و ناامید از سازگاری با محیط جدید، روز به روز بیشتر به شخصیتی ویرانگر و بیگانه از خود و هویتش تبدیل شده و در نهایت تاب نیاورده و تصمیم می‌گیرد به همراه فرزنداناش به بیروت بازگردد.

#### واکنش بیش تصحیحی

موارد واکنش بیش تصحیحی از سوی شخصیت‌های این رمان محدود است و فقط از رغید سر می‌زند. او که عربی ساکن ژنو است، به قصد برتر جلوه دادن خود در جامعه اروپایی ژنو و دستیابی به شهرت و فرار از حس غریبگی و مخفی کردن نژاد عرب خود، همه وسایلش و حتی استخر قصرش را از طلا انتخاب می‌کند:

«یدخل نسیم فجأة، وهو يحمل صحناً من الذهب، تتوسطه كبسولة الدواء». (همان: ۳۷)  
«بعد العشاء أصدر رغید أوامره بحمل القهوة إلى تراس البركة الذهبية تحت أنظار التمثال».  
(السَّمَان: ۱۸۵)

در واقع او به دلیل تلقی نادرست از استعمال طلا و برداشت غلط از فضای ثروتمندان جامعه ژنو، بیشتر از حد انتظار یک فرد ثروتمند از طلا استفاده می‌کند، تا بتواند خود را در یک فضای امن قرار دهد.

#### واکنش تلافی (تعامل چالشی)

منظور از تلافی تولید رمزگان نشانه‌ای در خلاف جهت هنجار ارزشی رایج است. نمونه‌ای از واکنش تلافی در این رمان را از نظر می‌گذرانیم:

#### آداب خوردن غذا

مهماندار ظرف غذا را می‌آورد ولی خلیل که با آداب خوردن غذا در هوای آشنا نیست نمی‌داند چگونه میز غذا را از بازوی صندلی بیرون کشد و با سکوت به مهماندار نشان می‌دهد که آداب این کار را نمی‌داند. همسرش کفی، که از او ماهرتر است، برای قرار نگرفتن در وضعیت ناامنی مشابه با صدای بلند و متکبرانه و به بهانه نگرانی از شکستن ناخن‌هایش، از مهماندار می‌خواهد میز غذا را برایش بیرون بکشد و اینگونه فضای ناامنی رفتاری را به امنیت تبدیل می‌کند. به این ترتیب وضعیت ناامنی خلیل و ناآشنایی او با فرهنگ رایج فراموش شده



و توجه همگان به کفی جلب می‌شود و به جای اینکه کفی به دلیل ناآشنایی با هنجار رایج در حالت نامنی قرار گیرد، مهماندار در وضعیت نامنی قرار گرفته و مقصر شناخته می‌شود:

«حين جاءت المضيفة بالطعام ولم يعرف كيف يستخرج صينية الطعام المخفية داخل ذراع المقعد، أدركت أنه يركب مقاعد الدرجة الأولى للمرة الأولى؛ و زوجته أكثر حذقاً إذ قالت للمضيفة بصوت عالٍ متعجرف .. أرجو أن تسحبى الصينية لأننى أخشى كسر أظفارى.» (همان: ۷۴)

### روابط ناهنجار کفی

کفی از جمله شخصیت‌های داستان است که دوست دارد به هر نحو ممکن خود را با فرهنگ ژنو تطبیق دهد و در بین ثروتمندان آنجا نفوذ کند، اما برای دست یافتن به این هدف به سمت ضد هنجارهای جامعه ژنو پیش می‌رود. نه تنها در ژنو بلکه در سراسر دنیا این یک هنجار ارزشی است که یک زن متأهل نباید با فردی جز همسر خود رابطه برقرار کند، اما کفی نه یک بار بلکه چندین بار عکس این هنجار ارزشی رفتار می‌کند. به دو نمونه از رفتارهای ناهنجار کفی بیشتر اشاره شد. دیگر رابطه او:

او در یک قهوه‌خانه با پسری ایتالیایی آشنا شده و سپس با به فراموشی سپردن تعهدات زناشویی خود، همراه او به هتل می‌رود:

«جلست فى أحد المقاهى وطلبت كأساً من ماء النار .. والتقت نظراتها بعينى ذلك الشاب الإيطالى فى الطرف الثانى المعتم من المقهى.. حدقت نحوه ثانية فلم تجده فى مكانه، شعرت بلذعة أسي، ففوجئت به واقفاً إلى جانبها.. دفع الحساب فنهضت معه.. جذبها من يدها إلى الفندق القريب من المقهى.. رافقته مستسلمة.» (السمان: ۲۶۱)

در واقع کفی با خروج از حدود هنجارها در رابطه با مردان غریبه، قصد دارد برای خود توجه کسب کرده و در جامعه ژنو پذیرفته شود؛ اما چون می‌داند در آنجا غریبه تلقی خواهد شد، دست به رفتاری ناهنجار زده و در اولین نگاه با مردی غریبه با او همراه شده و به خواسته او تن می‌دهد. این هنجارگریزی او به جهت احساس حقارت و خود کمتر بینی در فضای غربت ژنو است، که سعی دارد با این رفتار ناهنجار در صدد جبران آن بر آید. در واقع کفی برای اینکه از یک سو خود را در محیط اجتماعی ژنو به عنوان فردی از اعضای آن جامعه جا

دهد و از سوی دیگر از فضای مذهبی و سنتی جامعه شرقی خود فاصله بگیرد، با کسب شناختی سطحی از جامعه ژنو در این صدد می‌کوشد، اما شناخت ناقص او از فرهنگ این جامعه به رفتار نامناسب او منجر می‌شود؛ به طوری که با مردان دمخور می‌شود و ناآگاهانه گمان می‌کند که ولنگاری و صمیمت با مردان به معنای ورود به جامعه ثروتمندان این جامعه و کسب اعتبار نزد این طبقه اجتماعی است.

### واکنش‌های تکمیلی

هریک از شخصیت‌های داستان در برابر عدم امنیت نشانه‌ای، علاوه بر سه واکنش شناخته شده خاموشی، بیش تصحیحی و تلافی، رفتارها و واکنش‌های دیگری نیز از خود بروز می‌دهند که نمی‌توان آنها را در زیر مجموعه این سه واکنش قرار داد و باید تحت عنوان واکنش جدید مورد بررسی قرار گیرند که تا کنون در کتابها و مقالات مربوط به نشانه‌شناسی اجتماعی مطرح نشده است و آن واکنش‌ها عبارتند از:

### تقلید

گاهی فرد در رویارویی با جو ناامنی و احساس ضعف و بیچارگی و ترس از طرد شدن، به سمت تقلید از دیگران روی می‌آورد، تا مورد تحقیر قرار نگیرد. شخصیتی که در این داستان واکنش تقلید را بروز می‌دهد، خلیل است که به علت ترس از انگ توحش و بی فرهنگی، سر سفره از کفی تقلید کرده و مانند او رفتار می‌کند:

او وقتی به سفره مهمانی ندیم و دنیا خوانده می‌شود، نگران انتخاب درست قاشق و چنگال است، تا بی فرهنگ به نظر نرسد:

«یجلس محرراً خائفاً من مجموعة السكاكين والملاعق والشوك الفضیة المحیطة بصحنه، وهو لا یدری بأیها یدأ، کی لا یدو متوحشاً». (السّمَان: ۱۲۲)

در دل با خود می‌گوید که قاشق و چنگال‌های نقره‌ای را پرتاب می‌کند و مرغ را با دستش بر می‌دارد و می‌بلعد و ؛ اما در عمل به تقلید از کفی، سوپ را انتخاب می‌کند و به علت ترس از ایجاد صدا، محتویات سوپ را نجویده می‌بلعد:

«أرمی بالأدوات الفضیة عن المائدة، أشمرّ الکمین عن ساعدی، وأختطف الدجاجة الجذابة من صحنها الفضی الكبیر، أحتضنها براحتی یدی، وأدفن فیها وجهی، متوحش الشراة، وأنا

أفضم وأبتلع.. يتناول الملعقة عن الطرف الخارجي ويغمسها في الحساء كما تفعل كفى ويتلعم محتوياتها محاذراً إصدار أي صوت». (همان: ۱۲۲)

خلیل به خوبی می‌داند نوع خوراک و میزان رعایت آداب غذا خوردن در کسب شأن و منزلت اجتماعی مؤثر بوده و حتی بیانگر تفاوت فرهنگی و اجتماعی فرد با افراد جامعه دوم است؛ لذا هنگام صرف شام در میهمانی ندیم و دنیا، ذهنش درگیر انتخاب درست قاشق و چنگال و آداب غذا خوردن در مقابل میزبان است و همین نگرانی زمینه ناامنی او را فراهم کرده و او را وامی‌دارد که برای فرار از ناامنی به تقلید روی آورد.

#### انجام رفتار طرف مقابل با احساس خجالت

واکنش دیگری که یکی از شخصیت‌های این رمان در مواجهه با فرهنگ طرف مقابل انجام می‌دهد، انجام رفتار مشابه رایج در آن فرهنگ است، البته با شرمساری و خجالت زدگی. به طور مثال امیر النیلی وقتی لیلی را به خانه‌اش می‌رساند، لیلی از او می‌خواهد او را ببوسد. این درخواست برای امیر النیلی عجیب است و فکر می‌کند این کارها فقط در فیلم‌های امریکایی رخ می‌دهد. وقتی مادر لیلی این صحنه را می‌بیند، لیلی بی تفاوت است، اما امیر نیلی خجالت می‌کشد:

«أوصلت لیلی إلى البيت و قبل أن تدخله فی الففل، همست حارة، کرغیف طازج: قبّلی!.. الآن امتلکنی هنا!.. ارتبکت لم يحدث أن قبّلت امرأة أمام بیتها، کنت أری أن ذلک يحدث فی الأفلام الأمريكية.. لکننی لا أستطیع أن أکون فی وضع حمیم مع امرأة فی مکان غیر حمیم، صارت تشاکس کطفلة.. أرجوک قبّلی الآن! فجأة فتحت أمها الباب ابتعدت وغمرنی خجل عمیق مذعور.. لیلی بدت لامبالیة». (السّمَان: ۱۱۲-۱۱۳)

امیرالنیلی شخصیتی برخاسته از فرهنگی شرقی است که ارتباط دختر و پسر و بوسیدن یکدیگر در آن بی معنا است. لذا وقتی لیلی از او چنین درخواستی می‌کند، در مقام یک شخصیت شرقی که در کشوری غربی قرار گرفته است، دچار تردید و ترس می‌شود و با خود می‌اندیشد که انجام چنین کارهایی فقط در فیلم‌های خارجی اتفاق می‌افتد.

لازم به ذکر است که امیر النیلی از محدود شخصیت‌های این رمان است که در رویارویی با فرهنگ و جامعه غرب توانسته موقعیت خود را ترقی دهد و از موقعیت جدید به بهترین شکل

بهره ببرد. او اکنون در ژنو از تنها نبودن خود سخن می‌گوید و این که کتاب‌هایش، مثل به دنیا آمدن بچه‌های عرب از چپ و راست چاپ می‌شوند و در هر خانه‌ای خواننده‌ای دارد و اقرار می‌کند که در خانه بیشتر مردم جایگاهی دارد، و این در حالی است که کتاب‌هایش در بیروت از سوی ناشر مورد حذف و تغییر قرار می‌گرفته است. او مثل دیگر شخصیت‌های داستان سرافکنده نیست، تا حاضر به انجام هر کاری شود و یا خود را گم کند و به بیراهه رود:

«لو لم تمنحك جینف ملجأ هادئاً، لكان جلاذ بلدك قصّ رأسك، ولما وجدت مكانا تخطّ فيه سطورك دونما خوف.. وناشرک يتوسل إليك تخفيف الدوزاج، ويشطب لك البعض، ويرفض نشر الآخر، لكن كتبك تتناسل وتتكاثر كالأطفال العرب، ولم تعد غريباً حقاً ولك في معظم البيوت موضع قلب، بحجم غلاف كتبك». (همان: ۱۱۰)

#### همانند سازی

ممکن است همانند سازی در نگاه اول بیش تصحیحی و یا تقلید به نظر رسد، زیرا در هر یک از واکنش‌های همانند سازی و بیش تصحیحی فرد سعی دارد خود را به شکل طرف مقابل در آورده و رفتارهایی همانند او انجام دهد، اما تفاوت مهم این دو واکنش در اغراق نهفته در دل واکنش بیش تصحیحی است. در این واکنش شخص به علت ناآگاهی از هنجار ارزشی جامعه هدف ارتباط، در همانند سازی خود با افراد آن جامعه زیاده‌روی می‌کند، اما در همانندسازی فرد به منظور خروج از شرایط نامنی، بدون هیچ اغراق و زیاده‌روی، خود را به شکل جامعه پیرامون در آورده و با آنان همانندسازی می‌کند؛ و تفاوت همانندسازی با تقلید نیز در جبر حاکم بر واکنش تقلید و اختیار حاکم بر واکنش همانندسازی است. در واکنش تقلید، فرد در شرایط و موقعیتی قرار می‌گیرد که مجبور می‌شود از ترس تحقیر، به همگون شدن با دیگری روی آورد، حال آن که در همانندسازی فرد با آگاهی قبلی و با اختیار کامل، و خواست شخصی تلاش می‌کند هم شکل دیگری شود. ذیلماً به مواردی از همانندسازی اشاره می‌شود:

کفی برای همسرش خلیل لباس‌های گران قیمت و زیبا می‌خرد، تا همچون فردی ثروتمند در جامعه ظاهر شود:

«تشدّه من یده قائلة: إنه باهظ الثمن، لکنه یناسبک.. یغادران المكان، بعد أن أنفقت ثروة صغيرة، لتجعله يبدو كأحد أولاد الأغنياء المرفهين». (السّمّان: ۹۷)

و برای اینکه در فضای جدید ژنو پذیرفته شود و به خیال خود به سمت هنجارهای ارزشی آن جامعه پیش رود، اسم خود را از کفی به هندام تغییر می‌دهد، آنجا که ندیم به رغید می‌گوید: خلیل را به همراه همسرش هندام دیدم و گمان کردم پولدارند: «شاهدت هندام و زوجته، وظننتهما أثرياء في الحرب». (همان: ۷۴)

کفی با این تغییر اسم در صدد نوعی هویت‌بخشی به خود است. او به خوبی می‌داند که نام فرد نشان‌دهنده سنت‌ها، ارزش‌ها و باورهای اوست؛ لذا اسم خود را تغییر می‌دهد تا احدی فکر نکند او متعلق به طبقه ثروتمندان ژنو نیست و به نوعی می‌خواهد با نام جدیدش جایگاه ویژه‌ای پیدا کند.

### نتایج

یکی از عمده‌ترین مباحث مطرح در نشانه‌شناسی اجتماعی، مسئله برخورد هنجارهای متضاد، و واکنشی است که فرد در مواجهه با پدیده عدم امنیت نشانه‌ای از خود بروز می‌دهد. با بررسی این پدیده در رمان «لیلة المليار» اثر غادة السمان و بررسی واکنش‌های هر یک از شخصیت‌های داستان در مقابله با این پدیده، مشخص شد که علاوه بر واکنش‌های خاموشی، بیش تصحیحی و تلافی (تعامل چالشی)، واکنش‌های دیگری نیز در این رمان به چشم می‌خورد، که عبارتند از: تقلید، انجام رفتار طرف مقابل با احساس خجالت و همانند سازی. لازم به ذکر است که نامگذاری سه واکنش اخیر از سوی نگارندگان مقاله صورت گرفته است. اختلاف سطوح فرهنگی و سطوح قدرت بین شخصیت‌های این رمان، باعث شد زمینه برای کنترل و تحت سلطه واقع شدن افرادی چون خلیل و نسیم از سوی افراد با نفوذی چون صقر و رغید فراهم شود، به طوری که افراد تحت سلطه برای تأمین منافع خود، فرودستی و خواری را می‌پذیرند. در این شرایط، خلیل که جامعه عرب ساکن ژنو، هیچ جایگاهی برای فرهنگ و اندیشه‌های میهن پرستانه او قائل نیست، سکوت پیشه کرده و به خودگویی روی می‌آورد. کفی نیز با خودباختگی و غرق شدن در فرهنگ و اندیشه دیگری، در تلاش برای کسب مقبولیت از سوی جامعه ژنو است و ضمن به فراموشی سپردن ارزش‌های خود، به همسر و فرزندانش نیز پایبند نمی‌ماند. در مقابل عده‌ای مانند امیر النیلی نیز هستند، که در رویارویی با جامعه و

فرهنگ متفاوت، از شرایط جدید در جهت سازندگی و ارتقای سطح زندگی خود بهره می‌برند. در واقع افرادی در این سطح، در سازگاری با محیط جدید به تصعید روی می‌آورند؛ بدان معنا که در مقابله با ناکامی‌های جامعه خود، و در قرار گرفتن در جامعه جدید و متفاوت، به جای سرکوب خود و تن دادن به ذلت و خواری، تغییر مسیر داده و از ناکامی‌ها، فرصت می‌سازند، نظیر امیر نیلی که در جامه ژنو به فردی سازنده تبدیل شده، شروع به نوشتن می‌کند و به مردم کشورش آگاهی می‌دهد. در نقطه مقابل خلیل را می‌بینیم که سرخورده و ناامید، از سازگاری با محیط جدید ناتوان است. در نتیجه روز به روز به شخصیتی ویرانگر و بیگانه از خود و هویتش تبدیل می‌شود و ارزش‌ها رفته رفته برایش رنگ می‌بازند، تا جایی که بر بی بند و باری همسرش چشم می‌پوشد، اما در نهایت تاب نمی‌آورد و تصمیم می‌گیرد به همراه فرزندان به بیروت باز گردد.

دسته دیگری نیز هستند که حاضرند به بهای تحمل هر گونه تحقیر و غربت، در جامعه جدید بمانند. ندیم و لیلی از این دسته‌اند. آنان از ترس فقر و بدبختی حاضر نیستند به کشورشان باز گردند. به گونه‌ای که وقتی دنیا از همسرش ندیم می‌خواهد که به کشورشان بازگردند، ندیم با توصیف لبنان به جهنم فقر، از قبول خواسته او سر باز می‌زند. لیلی نیز بازگشت به کشورش را معادل فقر و تنهایی می‌داند. اینان به نوعی دچار میهن‌گریزی و غربت‌پذیری شده‌اند، و ترس از برآورده نشدن نیازها در کشورشان، آنان را به سمت پذیرفتن کشور جدید و خو گرفتن با مردم جدید، سوق داده است.

غاده السمان با ترسیم سرنوشت‌های متعدد برای شخصیت‌های داستانش در واقع شرایط مهاجران عرب به کشورهای اروپایی را شرح داده است. او با آگاهی از تأثیری که مهاجرت از کشوری شرقی، توسعه نیافته، و گرفتار فقر و معضلات اقتصادی و معیشتی، به کشوری غربی، توسعه یافته، و مدرن، بر گروه‌های مختلف مردم کشورش بر جای می‌گذارد، نسبت به پیامد رویکردهای متصور برای هر یک از گروه‌ها آگاهی و هشدار داده است، و در نهایت بر بازگشت مهاجران به کشورهاشان توصیه می‌کند. او نسبت به روابط سلطه آگاه است، و معتقد است اصرار بر حفظ ارتباط با دنیایی که شخص را به دوری از فرهنگ خودی، ابتذال، انزوا، و خاموشی وامی‌دارد، کار باطلی است و راه‌هایی از این معضلات، قطع ارتباط و بازگشت به

خویشتن و داشته‌های خویش است، هر چند شخص مجبور باشد برای حفظ داشته‌هایش از جانش مایه بگذارد؛ به عبارت دیگر احساس ناامنی حاصل از فضای جنگ از نظر او بر احساس ناامنی فرهنگی-اجتماعی فضیلت دارد. غاده السمان از میان گزینه‌های متصور برای مهاجران فقط ارتباط از نوع تعامل چالشی را می‌پذیرد، آنجا که شخص می‌تواند فضا را به نفع خود تغییر دهد. هر چند حتی در این شرایط نیز این شخص احتمالاً مجبور است با هنجارهایی کنار بیاید که با روح او سازگار نیست.

#### کتابنامه

##### منابع عربی

۱. أحمد، نحلته. (۲۰۰۱م). علم اللغة النظامی، مدخل إلى النظرية اللغوية عند هاليدای. الإسكندرية: ملتقى الفكر.
۲. بوعزیزی، محسن. (۲۰۱۰م). السيمولوجيا الاجتماعية. الطبعة الأولى. بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
۳. الجماعی، صلاح الدين أحمد، الاغتراب النفسي الاجتماعي وعلاقته بالتوافق النفسي والاجتماعی. دمشق: دارالفکر.
۴. السمان، غاده. (۱۹۸۶م). ليله المليار. الطبعة الأولى. بيروت: دارالكتب.
۵. ----- (۲۰۰۲). رسائل الحنين إلى الياسمين. الطبعة الثانية. بيروت: منشورات غاده السمان.
۶. فالر، راجر. (۲۰۱۲م). النقد اللساني. ترجمة عفاف البطاينة. بيروت: إعداد المنظمة العربية للترجمة.

##### منابع فارسی

۱. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۱ش). «سطوح ناامنی نشانه‌ای و تنظیم فاصله در ارتباط، پیجویی الگو در حکایت‌هایی از گلستان سعدی». در نامه نقد، مجموعه مقالات دومین همایش ملی نقد ادبی. به کوشش دکتر حمیدرضا شعیری. تهران: خانه کتاب.
۲. ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹). معناکاوی به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی. تهران: علم.
۳. کالوه، لویی-ژان. (۱۳۷۹ش). درآمدی بر زبان‌شناسی اجتماعی. ترجمه محمد جعفر پوینده. تهران: انتشارات نقش جهان.

۴. مهاجر، مهران، نبوی، محمد. (۱۳۷۶). به سوی زبان‌شناسی شعر رهیافتی نقش‌گرا. تهران: نشر مرکز.

#### منابع انگلیسی

1. Klenkenberg, Jean-Marie. (1996). *précis de semiotique generale*. Bruxelles. De Boeck and Larcier

#### مجلات

۱. احمدی ملایری، یدالله؛ آقاجانی، سمیه. (۱۳۹۲ش). «تنهایی روشنفکر در رمان‌های غاده السمان و غزاله علیزاده». ادب عربی. شماره ۱. سال ۵، صص ۱-۱۸.
۲. بابک معین، مرتضی. (۱۳۸۹ش). «نشانه‌شناسی اجتماعی و پدیده‌های امنیت و عدم امنیت نشانه‌ای». فصلنامه اندیشه‌های ادبی. پاییز، شماره ۵، صص ۱۳۵-۱۵۴.
۳. عماش، أحمد کاظم. (۲۰۱۱م). «جهود هاليداي في الاتجاه الوظيفي» جامعة بابل: كلية الدراسات القرآنية، صص ۱-۱۳.

#### سایت‌های اینترنتی

۱. الموقع الرسمي للكاتبه السورية غادة السمان. <http://ghadaalsaman.com/>



الدكتورة زهره قرباني مادواني<sup>۱</sup> (أستاذة مساعدة في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة العلامة الطباطبائي، تهران، إيران، الكاتب

المسئول)

الدكتورة مينا عربي (خريجة الدكتوراه في اللغة العربية وآدابها بجامعة العلامة الطباطبائي، تهران، إيران)

## تحليل اللا أمن السيميائي في رواية «ليلة المليار» لغادة السمان

### الملخص

إنَّ كلَّ فردٍ من أبناء المجتمع، فضلاً عن التزامه بمجموعة من المعايير الاجتماعية وانتمائه لطبقة اجتماعية خاصة، يَصوِّرُ شعوره بالأمان أو بعدم الأمان، من خلال إنتاج رموز سيميائية خاصة به، فتصدر عنه ردود أفعال حسب الظروف. يُعْتَبَرُ السيميوطيقا (علم الدلالات) الاجتماعي من الاتجاهات الدراسية التي تبحث في هذه المعايير والرموز السيميائية، وعلى أساس هذا العلم، فإنَّ الشعور باللا أمن الاجتماعي حصيلة الوقوع في أجواء، يعلم المرء باختلاف المعايير الاجتماعية السائدة فيها عمَّا لديه من المعايير. تبين هذه المقالة، بالاعتماد على منهج الدراسات الوصفي - التحليلي، نماذج من أنواع اللا أمن السيميائي في رواية «ليلة المليار»، وتحلّل أثر التضادّ الثقافي بين شخصياتها وصداه المنعكس على سلوكياتهم، في تصرّف الشخصيات القصصية بما يتجسّد في الصمت، والتعديل المفرط، والتعويض، بصفاتها ردود أفعال ضدّ المعايير الأضداد السائدة. فمن هذه الشخصيات من يستغلّ هذه الضدّية لتربية النفس والخروج عن ظروف اللا أمن وتحقيق الاستقرار كشخصية أمير النيلي، ومنهم من يدوب في ثقافة المجتمع الآخر، ومنهم من يضلّ في غياهب اللاهوتيّة ويهلك نفسه كشخصيات كفي والرغيد و الصقر وما أدى بهم إلى ردود أفعال كهذه هو الخوف من المجتمع والظروف الاجتماعية السائدة، كما منهم من لا يطبق الغربة والحيرة المتزايدة، فيعود إلى موطنه، عقب الشعور بعدم الانتماء إلى المجتمع المسيطر على كيانه كشخصية خليل. إن التزام خليل بثقافته وأفكاره الوطنية، هو الذي جعله يعود إلى بلده ويرفض التحقير والذلّ.

**الكلمات الرئيسية:** غادة السمان، ليلة المليار، السيميوطيقا الاجتماعي، اللا أمن الاجتماعي.

1. zghorbani@atu.ac.ir